

Archaeology of the Concept of Freedom in Abrahamic Religions: A Michel Foucault Approach

Matin, Anjomrooz

Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Rasht Branch,
Islamic Azad University, Rasht, Iran, (Corresponding Author), anjomrooz@iau.ac.ir

۹۷

پژوهشنامه ادیان

Abstract:

This paper analyzes the concept of freedom in Abrahamic religions (Judaism, Christianity, and Islam) through a Foucauldian archaeological method, examining its transformation and interpretation from religious, social, and philosophical perspectives. By focusing on the analysis of historical discourses and conceptual developments over time, the research clarifies the discursive and historical conditions that led to the formation and change of the concept of freedom in these religions. In Judaism, freedom is primarily interpreted as liberation from oppression and social bondage; in Christianity, it is understood as liberation from sin and spiritual dependencies; and in Islam, it is seen as individual and social freedom within the framework of Sharia and belief in divine will. The differences in these interpretations are reflected in their interactions with various historical, cultural, and political transformations. The research method of this article is a genealogical discourse analysis of religious discourses based on Michel Foucault's approach, which examines the historical and conceptual transformations of the notion of freedom. The author's aim is to create a foundation for deeper understanding, dialogue, and constructive engagement among researchers in this field.

Keywords: Freedom, Judaism, Christianity, Islam, Archaeology, Liberation, Sharia.

دیرینه‌شناسی مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی با رویکرد میشل فوکو^۱

متین انجم روز^۲

۹۸

چکیده

پژوهشنامه ادیان

این مقاله به تحلیل دیرینه‌شناختی مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) با استفاده از روش دیرینه‌شناسی میشل فوکو پرداخته و تحول و تفسیر این مفهوم را از منظر دینی، اجتماعی و فلسفی بررسی می‌کند. با تأکید بر تحلیل گفتمان‌های تاریخی و تحولات مفهومی در طول زمان، تحقیق شرایط گفتمانی و تاریخی که موجب شکل‌گیری و تغییر مفهوم آزادی در این ادیان شده را شفاف‌سازی می‌کند. آزادی در یهودیت بیشتر به‌عنوان رهایی از ظلم و بندگی اجتماعی، در مسیحیت به‌عنوان رهایی از گناه و وابستگی‌های معنوی، و در اسلام به‌عنوان آزادی فردی و اجتماعی در چارچوب شریعت و اعتقاد به اراده الهی تفسیر می‌شود. تفاوت‌های این تفسیرها در تعامل با تحولات تاریخی، فرهنگی و سیاسی مختلف نمایان می‌شود. روش پژوهش این مقاله، تحلیل دیرینه‌شناختی گفتمان‌های دینی بر اساس رویکرد میشل فوکو است که تحولات تاریخی و مفهومی آزادی را بررسی می‌کند. هدف نگارنده فراهم کردن زمینه‌ای برای درک عمیق‌تر، گفت‌وگو، و تعامل سازنده میان پژوهشگران این حوزه است.

فصل ۱۹، شماره ۳۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

کلیدواژه: آزادی، یهودیت، مسیحیت، اسلام، دیرینه‌شناسی، رهایی، شریعت

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. (نویسنده

مسئول): Kh_anjomrooz@iau.ac.ir

۱. مقدمه

آزادی، به عنوان یک مفهوم بنیادی و پیچیده، همواره در کانون توجه اندیشمندان، جوامع بشری و سیستم‌های دینی قرار داشته است. این مفهوم از عمق وجود انسان نشأت می‌گیرد و به طور مداوم در بسترهای مختلف اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فلسفی مورد بررسی قرار گرفته است. از نگاه دینی، آزادی نه تنها به عنوان یک ویژگی فردی بلکه به عنوان یک مسئولیت اجتماعی نیز تعریف شده است. ادیان الهی، که نقش اساسی در هدایت انسان‌ها به سوی کمال دارند، از جمله منابعی هستند که مفهوم آزادی را در ساختارهای معنوی و اجتماعی خود تبیین کرده‌اند. این تحلیل دینی از آزادی در بطن آموزه‌های اساسی هر دین قرار دارد و به طور مستقیم بر روابط انسان‌ها با خداوند، دیگران و جامعه اثر می‌گذارد.

۹۹

پژوهشنامه ادیان

در میان ادیان الهی، ادیان ابراهیمی - یهودیت، مسیحیت و اسلام - به دلیل اشتراکات تاریخی، فرهنگی و اعتقادی فراوان، فرصت مناسبی برای بررسی تطبیقی و تحلیل دیرینه‌شناختی مفهوم آزادی فراهم می‌آورند. این سه دین به‌ویژه در قرون وسطی و دوران‌های تاریخی مختلف در تعاملات فکری و اجتماعی با یکدیگر و با دیگر تمدن‌ها نقشی کلیدی ایفا کرده‌اند. با این حال، هر یک از این ادیان به طور منحصر به فرد به آزادی پرداخته و آن را از منظر خاص خود تفسیر کرده است. در یهودیت، آزادی بیشتر به عنوان رهایی از ظلم و بندگی اجتماعی مطرح است، به‌ویژه در داستان خروج بنی‌اسرائیل از مصر که مفهوم آزادی اجتماعی و اخلاقی به وضوح تجلی می‌یابد. در مسیحیت، آزادی به معنای رهایی از گناه و وابستگی‌های دنیوی و همچنین تحقق آزادی روحی و نجات از طریق ایمان به عیسی مسیح تفسیر می‌شود. در اسلام، آزادی نه تنها در قالب اراده آزاد انسان در برابر قضا و قدر الهی بلکه در ارتباط با تعهدات دینی و اخلاقی نیز مورد توجه قرار دارد. این تفاوت‌ها و شباهت‌ها در تفسیر مفهوم آزادی در این سه دین، پرسش‌های اساسی را درباره ماهیت آزادی، حدود آن و رابطه‌اش با اراده الهی و انسان مطرح می‌کند.

هدف اصلی این مقاله، تحلیل دیرینه‌شناختی و تطبیقی مفهوم آزادی در سه دین ابراهیمی است. در این تحقیق، به بررسی مفهومی و تاریخی آزادی در یهودیت، مسیحیت و اسلام خواهیم پرداخت و نحوه تحول آن را در طول زمان از دیدگاه‌های مختلف دینی مورد بررسی قرار خواهیم داد. پرسش‌های این تحقیق عبارتند از: مفهوم آزادی در هر یک از ادیان ابراهیمی چگونه تعریف و تبیین می‌شود؟ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در نگرش این ادیان نسبت به آزادی فردی و اجتماعی وجود

دارد؟ مبانی کلامی و فلسفی هر دین در توجیه دیدگاه خود در مورد آزادی چیست؟ تحولات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی چگونه بر درک و تفسیر مفهوم آزادی در این ادیان تأثیر گذاشته است؟

در راستای پاسخ به این پرسش‌ها، مقاله‌ی حاضر از روش دیرینه‌شناسی میشل فوکو بهره خواهد برد. فوکو با استفاده از این روش، بر مطالعه‌ی گفتمان‌های تاریخی و تحولات مفهومی در درازای زمان تأکید دارد و به این ترتیب می‌توان با استفاده از آن، تکامل و دگرگونی‌های مفهوم آزادی را در متون دینی مورد بررسی قرار داد. دیرینه‌شناسی در این مقاله به‌عنوان ابزاری برای تحلیل گفتمان‌های دینی به کار گرفته می‌شود تا تحولات و تحریفات مفهومی آزادی در متون مقدس یهودیت (عهد عتیق)، مسیحیت (کتاب مقدس) و اسلام (قرآن کریم و حدیث) شفاف‌سازی شود. با این روش، می‌توان به شناسایی اشتراکات و تفاوت‌های تفسیر آزادی در این سه دین و چگونگی تطور آن در طول زمان دست یافت.

این تحقیق با هدف تبیین تحول مفهوم آزادی در طول تاریخ و تحلیل آن از منظر دینی، اجتماعی و فلسفی به دنبال پاسخ به مسائل اساسی در مورد آزادی است. از این رو، این مقاله می‌تواند به‌عنوان یک منبع معتبر برای فهم پیچیدگی‌های آزادی در بستر دینی و تحولات آن در جوامع مختلف مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت، با درک بهتر تفسیرهای مختلف از آزادی در ادیان ابراهیمی، می‌توان به تحلیل دقیق‌تری از چگونگی تأثیر این مفاهیم بر فرهنگ‌ها و جوامع مختلف و ارتباط آن‌ها با مسائل معاصر همچون حقوق بشر و آزادی‌های فردی پرداخت.

۲. روش شناسی

این پژوهش از روش دیرینه‌شناسی^۱ میشل فوکو^۲ بهره می‌برد تا مفهوم آزادی را در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) از منظر تاریخی و گفتمانی بررسی کند. دیرینه‌شناسی، به‌عنوان یک رویکرد تحلیلی^۳، بر شناخت شرایط تاریخی و گفتمانی شکل‌گیری مفاهیم و گفتمان‌ها تمرکز دارد. فوکو در آثار خود بر این باور است که هر مفهوم در بستر یک نظام گفتمانی شکل می‌گیرد و معنای

^۱ Archaeological Method

^۲ Michel Foucault (1926-1984)

^۳ analytical approach

آن به قواعد و روابط قدرت درون آن نظام وابسته است (Foucault, 2009: 148). در این روش، به جای تمرکز بر معنا و محتوای ثابت یک مفهوم، بیشتر به فرایندها و شرایطی پرداخته می‌شود که سبب شکل‌گیری و تحول آن مفهوم در زمان‌های مختلف می‌گردد.

در این تحقیق، به‌ویژه در تحلیل مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی، هدف این است که شرایط و قواعدی که موجب شکل‌گیری و تحول این مفهوم در هر یک از این ادیان شده است، شناسایی و بررسی گردد. برای این منظور، آرشیوهای مختلف متنی و غیرمتنی از جمله متون مقدس (عهد قدیم، کتاب مقدس و قرآن کریم)، تفاسیر دینی، آثار فقهی و کلامی، اسناد تاریخی، مناسک و آیین‌های مذهبی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. این منابع به‌عنوان «آرشیوهای گفتمانی»^۱ عمل می‌کنند که اطلاعات و شواهدی از روند تحول مفهومی آزادی در طول تاریخ در اختیار قرار می‌دهند.

فوکو در دیرینه‌شناسی خود، به‌ویژه بر اهمیت تاریخ و تحولات تاریخی در شکل‌گیری مفاهیم تأکید می‌کند. او معتقد است که هر مفهوم، از جمله آزادی، در پاسخ به نیازها و شرایط تاریخی خاصی شکل می‌گیرد و نمی‌توان آن را از بستر زمانی و اجتماعی‌اش جدا کرد (Foucault, 2009: 150). بر این اساس، مفهوم آزادی در هر یک از ادیان ابراهیمی در طول تاریخ تحت تأثیر شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی تغییر کرده است. به عبارت دیگر، بررسی آزادی در این ادیان نمی‌تواند تنها به مطالعه مفاهیم ثابت و درک‌های معاصر از آن محدود شود، بلکه باید تغییرات و دگرگونی‌های آن در پاسخ به تحولات تاریخی مختلف نیز مد نظر قرار گیرد.

یکی از اصول کلیدی در روش‌شناسی دیرینه‌شناسی فوکو، تأکید بر گسست‌ها و پیوستگی‌ها در تاریخ است. فوکو معتقد است که تاریخ یک روند خطی و پیوسته نیست، بلکه مجموعه‌ای از گسست‌ها و تحولات ناگهانی است که باعث تغییر و تحول مفاهیم و گفتمان‌ها می‌شود (Dreyfus & Rabinow, 2016: 88). بر این اساس، تاریخ‌نگاری مفهومی مانند آزادی، به‌ویژه در بستر ادیان ابراهیمی، نمی‌تواند تنها یک روند تداومی باشد؛ بلکه باید به بررسی نقاط گسست و تحولاتی پرداخته شود که در پی شرایط خاص تاریخی، سیاسی یا اجتماعی رخ داده است. برای نمونه، می‌توان به تأثیرات تحولات مهمی چون ظهور مسیحیت و تفکیک آن از یهودیت، یا تغییرات سیاسی و

^۱ discursive archives

اجتماعی در جهان اسلام، از جمله دوره‌های خلافت، به عنوان نقاط گسست در تاریخ مفهوم آزادی اشاره کرد.

این تحلیل دیرینه‌شناختی به‌ویژه در مطالعه آزادی در ادیان ابراهیمی می‌تواند به روشن‌تر شدن تفاوت‌ها و شباهت‌های تفسیرهای مختلف از این مفهوم در دوران‌های مختلف کمک کند. برای مثال، در یهودیت، مفهوم آزادی به‌طور سنتی با رهایی از بردگی فیزیکی در داستان خروج بنی‌اسرائیل از مصر پیوند خورده است، اما در دوره‌های بعد، این مفهوم به‌ویژه در مواجهه با قدرت‌های سیاسی مختلف، مفاهیم اجتماعی و اخلاقی جدیدتری پیدا کرده است. در مسیحیت و اسلام نیز، تحولات تاریخی و سیاسی، نظیر تأسیس کلیسا در مسیحیت و پیدایش خلافت در اسلام، سبب تغییرات معانی و کاربردهای مفهوم آزادی شده‌اند.

در پژوهش حاضر، تمرکز اصلی بر تحلیل گفتمان‌های موجود در متون دینی و تاریخی خواهد بود تا فرآیندهای پیچیده‌ای که در طول زمان منجر به تحول و تغییر مفهوم آزادی در هر یک از ادیان ابراهیمی شده است، مورد بررسی قرار گیرد. این تحلیل شامل بررسی تأثیرات نظری و عملی گفتمان‌های دینی است که در آن‌ها مفهوم آزادی از جنبه‌های مختلف فکری، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی مطرح شده است. با استفاده از روش دیرینه‌شناسی، گفتمان‌های متفاوت و پراکنده‌ای که به مرور زمان حول آزادی در ادیان ابراهیمی شکل گرفته‌اند، بازخوانی و تجزیه و تحلیل می‌شود.

۳. چارچوب مفهومی

آزادی یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مفاهیم در فلسفه، سیاست و دین است که در طول تاریخ به‌طور مداوم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این مفهوم، در عین حال که در نگاه عمومی به معنای «عدم مداخله در انتخاب‌ها و اعمال فردی» تفسیر می‌شود (Berlin, 2017: 88; Arendt, 2018: 205; Foucault: 120)، در ابعاد مختلف اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و دینی معانی مختلفی یافته است (Blat, 2020: 214; Sartre, 2007: 65). در این بخش، برداشت‌های متفاوت از مفهوم آزادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آزادی، در ابتدایی‌ترین سطح خود، به معنای «وجود اختیار و انتخاب» برای فرد در انجام اعمال و تصمیمات است. این تعریف به‌ویژه در ارتباط با آزادی فردی و حق انتخاب فرد در امور مختلف

زندگی است (Berlin, 2002: 45; Mill, 2009: 130). آزادی به‌طور کلی در دو جنبه اصلی مطرح می‌شود:

- آزادی منفی با آزادی از:^۱ این نوع آزادی به معنای رهایی از محدودیت‌ها، موانع و دخالت‌های خارجی است. در این دیدگاه، آزادی به‌طور عمده بر نداشتن موانع تأکید دارد و فرد در انتخاب‌ها و تصمیمات خود آزاد است تا جایی که هیچ قدرت یا نهاد دیگری مزاحم او نباشد. این مفهوم بیشتر در فلسفه سیاسی مدرن، به‌ویژه در آثار فیلسوفانی چون جان استوارت میل (۱۸۵۹)^۲ و ایزایا برلین^۳ (۱۹۶۹) مورد تأکید قرار گرفته است (Mill, 2021: 45; Berlin, 2019: 32).

- آزادی مثبت یا آزادی برای:^۴ این نوع آزادی به معنای توانمندی فرد در دستیابی به اهداف و تحقق خواسته‌های خود است. در این دیدگاه، آزادی نه تنها به نداشتن محدودیت‌ها، بلکه به توانمندی‌های فرد در عمل به خواسته‌ها و آرزوهایش اشاره دارد. این مفهوم آزادی بیشتر در دیدگاه‌های هگل^۵ (۱۸۲۰) و ایده‌آلیسم آلمانی^۶ مطرح شده است، جایی که آزادی به معنای تحقق خودمختاری و کمال انسانی است (Hegel, 2020: 18). ایزایا برلین در آثار خود آزادی مثبت را به‌عنوان آزادی «برای» اشاره کرده است که در آن فرد قادر به تحقق اهداف و انتخاب‌های خود در زمینه‌هایی چون رشد و شکوفایی فردی است (Berlin, 2019: 14). این نگرش بر اهمیت توانمندی فرد در تحقق آرزوهای خود تأکید دارد، نه صرفاً بر نداشتن موانع خارجی.

در حوزه دینی، آزادی نیز به‌عنوان یک مفهومی دوگانه مطرح می‌شود: آزادی از گناه و ظلم، و آزادی در راستای انجام اراده خداوند. این دیدگاه‌ها بستگی به نظام‌های دینی مختلف دارند که در آن‌ها آزادی به‌عنوان عطیه‌ای الهی و در عین حال مسئولیتی برای انسان‌ها تعریف شده است (McFarlane, 2018: 67; Parkinson, 2020: 142).

^۱ Negative Liberty

^۲ John Stuart Mill (1806–1873)

^۳ Isaiah Berlin (1909–1997)

^۴ Positive Liberty

^۵ Georg Wilhelm Friedrich Hegel (1770–1831)

^۶ German Idealism

۴. تحلیل مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی

در ادیان ابراهیمی، مفهوم آزادی در کنار مسئولیت‌های دینی و اخلاقی، به‌طور خاص با مفاهیم ایمان، تقوا و انتخاب در راستای اراده خداوند پیوند خورده است. همچنین در هر یک از این ادیان، آزادی نه تنها به‌عنوان یک حق طبیعی، بلکه به‌عنوان مسئولیت‌های انسانی در قبال خداوند و جامعه به‌طور متفاوت تعریف و تفسیر شده است. این تحول در درک و تفسیر آزادی در طول تاریخ، نتیجه تعاملات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر دین با شرایط تاریخی خاص خود بوده است. در ادامه این بخش به تفکیک به مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی خواهیم پرداخت.

۴-۱. مفهوم آزادی در یهودیت

آزادی یکی از مفاهیم کلیدی در دین یهودیت است که ریشه در تاریخ و تجربیات قومی یهودیان دارد. مفهوم آزادی در یهودیت همواره در تعامل با مفاهیم دیگر نظیر رهایی، بندگی، عدالت و ارتباط انسان با خداوند شکل گرفته است. در این بخش، به بررسی ابعاد مختلف مفهوم آزادی در یهودیت، تأثیر آن بر تحولات دینی و اجتماعی، و چگونگی تفسیر آزادی در متون مقدس یهودیان پرداخته خواهد شد.

آزادی و رهایی در داستان خروج از مصر: یکی از مهم‌ترین مفاهیم آزادی در یهودیت به داستان خروج بنی‌اسرائیل از مصر برمی‌گردد. این رویداد نه تنها در تاریخ یهودیان، بلکه در کل جهان به‌عنوان نماد رهایی از بندگی و ظلم شناخته می‌شود. در سفر خروج (کتاب دوم عهد قدیم)، خداوند بنی‌اسرائیل را از بردگی در مصر آزاد می‌کند و به آن‌ها دستور می‌دهد که به سرزمین موعود حرکت کنند (عهد قدیم، خروج ۳: ۷-۱۰). این داستان نمادین‌ترین تصویر آزادی در یهودیت است، زیرا آزادی در اینجا به معنای رهایی از فشارها و ظلم‌های خارجی و به‌دست آوردن اختیار برای تعیین سرنوشت خود است.

در این زمینه، آزادی نه فقط به‌عنوان رهایی فیزیکی از بندگی و ظلم تعبیر می‌شود، بلکه به‌عنوان رهایی معنوی و احیای هویت قومی نیز مفهومی اساسی دارد. یهودیان از این رهایی به‌عنوان نقطه آغاز آزادی ملی و دینی خود یاد می‌کنند. این داستان در آیین‌های دینی یهودی، به ویژه در جشن

پسح (پاسک)^۱ که جشن رهایی از مصر است، تجلیل می‌شود. در مراسم پسح، یهودیان به یاد آزادی خود از بندگی در مصر، از نان فطیر (ماتزاه)^۲ استفاده می‌کنند و داستان خروج را بازگو می‌کنند (Friedman, 2019: 142; Cohen, 2021: 58).

آزادی به‌عنوان آزادی از گناه و بندگی معنوی: در یهودیت، مفهوم آزادی نه تنها به آزادی فیزیکی و اجتماعی بلکه به آزادی معنوی نیز اشاره دارد. انسان از نظر یهودیت باید در جهت اطاعت از خداوند و پیروی از دستورات او گام بردارد. در عهد قدیم، آزادی به‌طور عمده در زمینه رهایی از بندگی گناه و تباهی اخلاقی مطرح می‌شود. همان‌طور که در داستان‌های مختلف کتاب مقدس آمده است، انسان‌ها به‌ویژه پس از سقوط آدم و حوا در باغ عدن، در معرض گناه و فساد اخلاقی قرار دارند و آزادی حقیقی به‌عنوان رهایی از این گناه‌ها و اصلاح رفتار انسانی تلقی می‌شود (عهد قدیم، پیدایش ۲۴: ۳-۶).

در این راستا، آزادی در یهودیت به‌طور گسترده به‌عنوان مسئولیت انسان در قبال خداوند و جامعه مطرح است. آزادی به‌معنای رهایی از گناه، در فرآیند توبه و بازگشت به سوی خداوند تحقق می‌یابد. توبه، که به معنای «بازگشت»^۳ به خداوند و اصلاح رفتار است، بخش مهمی از مسیر دستیابی به آزادی معنوی در یهودیت است. این مفهوم در یوم کپور (روز کفاره)^۴ که به‌عنوان روز توبه و آشتی با خداوند در تقویم یهودی قرار دارد، تجسم می‌یابد (Cohen, 2020: Leviticus 16:29-30; 103).

آزادی و عدالت اجتماعی در یهودیت: در کنار مفهوم آزادی فردی و معنوی، یهودیت همچنین به آزادی اجتماعی و عدالت اجتماعی تأکید دارد. یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در یهودیت، خصوصاً در کتب عهد عتیق، تأکید بر عدالت اجتماعی و برابری در برابر خداوند است. به‌ویژه در کتاب تثنیه، آمده است که خداوند از یهودیان خواسته است که در برقراری عدالت در جامعه کوشا باشند و بر فقرا، یتیمان، بیوه زنان و غریبان شفقت داشته باشند (عهد قدیم، تثنیه ۱۷: ۲۲-۲۴).

^۱ Passover

^۲ Matzah / Matzo

^۳ return

^۴ Yom Kippur / Day of Atonement

این تأکید بر عدالت اجتماعی به طور غیرمستقیم به مفهومی از آزادی اشاره دارد که در آن هیچ فرد یا گروهی تحت ظلم یا استثمار قرار نگیرد.

یکی از نمونه‌های برجسته در این زمینه، سال یوبیل^۱ است. طبق دستورات عهد قدیم، هر پنجاه سال یکبار سال یوبیل فرامی‌رسد که در آن، زمین‌هایی که به دلیل بدهی‌ها یا مشکلات اقتصادی به دیگران فروخته شده بودند، به صاحبان اصلی بازمی‌گردد و بردگان آزاد می‌شوند (عهد قدیم، لاویان ۲۵: ۱۰-۱۳). این تشریعات، نه تنها تأکیدی بر رهایی از بندگی فیزیکی، بلکه تأکیدی بر عدالت اجتماعی و اقتصادی است که در آن هیچ کس تحت فشار یا ظلم دائمی قرار نمی‌گیرد. این قوانین به طور عمیق با مفهوم آزادی اجتماعی در یهودیت گره خورده‌اند و نشان می‌دهند که آزادی باید در چارچوب عدالت و احترام به حقوق انسانی تحقق یابد (ابن میمون، بلا تاریخ: ۱۹۶-۱۹۷).

آزادی و مسئولیت فردی: در یهودیت، آزادی تنها به عنوان یک حق فردی یا اجتماعی مطرح نمی‌شود، بلکه همواره با مسئولیت فردی همراه است. یکی از اصول بنیادین در یهودیت این است که انسان‌ها به عنوان موجودات مختار، قادر به انتخاب مسیر خود در زندگی هستند، اما این آزادی باید در جهت عمل به دستورات خداوند و اجرای اخلاقیات یهودی به کار رود. در بسیاری از آموزه‌های تورات و تلمود، تأکید بر این است که آزادی تنها زمانی معتبر است که فرد از آن برای انجام اعمال نیکو و رعایت حقوق دیگران استفاده کند (Talmud, Berakhot 17a).

برای مثال، در کتاب تورات آمده است که اگر شخصی در نتیجه انتخاب‌های نادرست خود در زندگی به موقعیت‌های دشوار و مشکلات اقتصادی دچار شود، باید به او کمک کرد تا از این شرایط بیرون آید و آزادانه زندگی کند. این مفهوم آزادی به طور ویژه در «شبعیت یا شمیطا»^۲ (آزادی شغلی) و احکام مربوط به بدهی‌ها و غلامی‌ها مطرح است که در آن‌ها تأکید بر حفظ کرامت انسانی و احترام به حقوق فردی و اجتماعی دیگران است (عهد قدیم، لاویان، فصل ۲۵).

آزادی در تفسیرهای بعدی و تحولات تاریخی: با گذشت زمان و تحولات تاریخی، تفسیر مفهوم آزادی در یهودیت نیز دچار تغییرات و تحولاتی شده است. در دوران تلمود و قرون وسطی، بسیاری از فلاسفه یهودی مانند ابن میمون (رامبام)^۳ به بررسی مفهوم آزادی پرداخته‌اند و آن را در چارچوب

^۱ Jubilee Year

^۲ Shemittah

^۳ Maimonides / Rambam / Moses ben Maimon

فلسفه عقلانی و دینی خود تفسیر کرده‌اند. ابن‌میمون آزادی را به‌عنوان قدرت انتخاب فردی در انجام اعمال اخلاقی و دینی تعریف می‌کند که باید در جهت تحقق کمال انسانی و نزدیکی به خداوند باشد (ابن‌میمون، بلا تاریخ: ۵۱). در این تفسیر، آزادی به‌عنوان یک مسئولیت در قبال خداوند و جامعه مطرح می‌شود.

مفهوم آزادی در یهودیت از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که در آن، آزادی فیزیکی، معنوی و اجتماعی در هم آمیخته‌اند. آزادی نه تنها به‌عنوان رهایی از ظلم و فشارهای خارجی، بلکه به‌عنوان مسئولیت فردی در قبال خداوند و جامعه در نظر گرفته می‌شود. این مفهوم در طول تاریخ یهودیت تحولاتی اساسی داشته و در متون دینی و فلسفی مختلفی بازتاب یافته است. از داستان خروج بنی‌اسرائیل تا تفسیرهای مدرن از آزادی در یهودیت، همواره تأکید بر مسئولیت فردی، عدالت اجتماعی و پیروی از دستورات الهی بوده است.

۴-۲. مفهوم آزادی در مسیحیت

در این بخش، به تحلیل دیرینه‌شناختی مفهوم آزادی در مسیحیت خواهیم پرداخت. همانند یهودیت، مسیحیت نیز با مفاهیم مختلفی از آزادی در متون مقدس و آموزه‌های دینی خود روبرو است، اما تفاوت‌های بنیادینی در نحوه‌ی تفسیر و کاربرد این مفهوم در مسیحیت وجود دارد. هدف ما در این بخش، کشف «شرایط امکان»^۱ شکل‌گیری و تحول مفهوم آزادی در مسیحیت است، از طریق بررسی متون مقدس، تفاسیر دینی، آموزه‌های کلیسا و تحولات تاریخی که بر این مفهوم تأثیر گذاشته‌اند. بر اساس چارچوب نظری میشل فوکو، این پژوهش به دنبال کشف روابط قدرت و دانشی است که موجب شکل‌گیری و تحول درک مسیحیت از آزادی شده‌اند.

آزادی در متون مقدس مسیحیت: آزادی در مسیحیت به‌طور عمده در کتاب مقدس (به ویژه انجیل‌های چهارگانه)^۲ به‌عنوان مفهومی مرکزی در آموزه‌های عیسی مسیح مطرح می‌شود. در کتاب مقدس، آزادی نه تنها به‌عنوان رهایی از سلطه سیاسی و اجتماعی، بلکه به‌عنوان آزادی معنوی و رهایی از گناه و مرگ به تصویر کشیده می‌شود.

^۱ conditions of possibility

^۲ متی، مرقس، لوقا و یوحنا.

یکی از آیات معروف کتاب مقدس که مفهوم آزادی را در مسیحیت به خوبی روشن می کند، آیه ۳۶ از فصل ۸ انجیل یوحنا است که می گوید: «پس اگر پسر شما را آزاد کند، در حقیقت آزاد خواهید بود.» (کتاب مقدس، یوحنا، ۸: ۳۶) در این آیه، عیسی مسیح به آزادی معنوی اشاره دارد که از طریق رهایی از گناه و ارتباط با خداوند به دست می آید. این آزادی به معنای رهایی از بندهای گناه، تمایلات دنیوی و مرگ است. در مسیحیت، آزادی به معنای رهایی از این قیود به دست می آید و هدف اصلی آن رسیدن به رستگاری از طریق ایمان به عیسی مسیح است.

در این راستا، مسیحیت مفهوم آزادی را از آزادی سیاسی و اجتماعی متمایز می کند و آن را به عنوان آزادی از وضعیت معنوی بردگی و رهایی از گناه معرفی می کند. این آزادی، آزادی از «قانون» است، که در کتاب رومیان ۶:۲۳ به آن اشاره شده است: «زیرا اجرت گناه مرگ است، اما هدیه خدا حیات جاودانی است در مسیح عیسی ربّ ما.» در این متن، آزادی نه به معنای رهایی از دولت یا قدرت های بشری، بلکه به عنوان رهایی از گناه و اجتناب از پیامدهای آن به تصویر کشیده می شود (کتاب مقدس، رومیان، ۶: ۲۳).

آزادی و ایمان (از گناه تا رستگاری): در آموزه های مسیحیت، آزادی از گناه به عنوان هدف اصلی بشر مطرح می شود. طبق دیدگاه مسیحی، انسان ها در نتیجه ی گناه اولیه (گناه آدم و حوا) در بردگی گناه و مرگ قرار دارند. در این جا، آزادی از گناه، نه تنها از طریق عمل فردی، بلکه به وسیله ی ایمان به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده انجام می شود. مسیح، با فدا شدن بر صلیب، نه تنها رهایی از گناه بلکه رهایی از قدرت های شیطانی را ممکن ساخت. در رساله ی غلاطیان آمده است: «برای آزادی ما مسیح آزاد کرد، پس استوار بایستید و خود را دوباره به یوغ بندگی نکشانید.» (کتاب مقدس، غلاطیان، ۱: ۵)

در این دیدگاه، آزادی به طور اساسی با ایمان به مسیح و پذیرش فداکاری او مرتبط است. به عبارتی دیگر، آزادی در مسیحیت به معنای رهایی از سلطه ی گناه و قدرت های شیطانی است. این رهایی، آزادی حقیقی است که انسان ها را به زندگی جاوید و رابطه ای نزدیک با خداوند هدایت می کند. در این جا، مفاهیم قدرت و سلطه به طور عمیق با گناه و رهایی از آن در ارتباط اند، به گونه ای که انسان در صورتی می تواند از سلطه ی گناه آزاد شود که در ایمان به مسیح قرار گیرد.

آزادی و مسئولیت اجتماعی در مسیحیت: اگرچه در مسیحیت، آزادی بیشتر در بُعد معنوی و اخلاقی مطرح است، اما این آزادی همچنین ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز دارد. در آموزه های عیسی مسیح،

آزادی به‌طور کلی به‌عنوان دعوت به زندگی با اخلاق و مسئولیت اجتماعی مطرح می‌شود. عیسی به دو فرمان بزرگ اشاره می‌کند: «خداوند خدای خود را با تمام دل و تمام جان و تمام عقل خود محبت نما.» و «همسایه خود را همچون خود محبت نما.» (کتاب مقدس، متی ۲۲: ۳۷-۴۰) این دو فرمان به‌طور ضمنی به مسئولیت اجتماعی و انسانی که آزادی با خود به‌همراه می‌آورد، اشاره دارند. آزادی در مسیحیت به‌هیچ‌وجه به معنای رهایی از مسئولیت‌های فردی و اجتماعی نیست. برعکس، مسیحیانی که از گناه آزاد می‌شوند، باید با محبت و احترام به دیگران زندگی کنند. این مسئولیت اجتماعی در اعمال عیسی مسیح نیز نمایان است که همواره بر اهمیت خدمت به دیگران، مخصوصاً فقرا و مستضعفان تأکید داشت. در کتاب مقدس آمده است: «اگر کسی از شما به برادر یا خواهر خود بگوید: «به سلامت بروید، گرم شوید و سیر شوید»، اما از غذای لازم به آن‌ها ندهید، به چه سود؟» (کتاب مقدس، یعقوب، ۲: ۱۶-۱۷) این آیات تأکید می‌کنند که آزادی حقیقی تنها از طریق عمل به اصول اخلاقی و خدمت به جامعه به‌دست می‌آید.

آزادی و تجدید حیات روحی: در مسیحیت، مفهوم آزادی همچنین با تجدید حیات روحی انسان مرتبط است. مسیحیان به‌وسیله‌ی روح القدس، که به‌عنوان راهنمایی الهی شناخته می‌شود، از نو متولد می‌شوند و قدرت دسترسی به آزادی روحی و معنوی را پیدا می‌کنند. در رساله به رومیان آمده است: «زیرا که قانون روح القدس که در مسیح عیسی است، مرا از قانون گناه و مرگ آزاد ساخت.» (کتاب مقدس، رومیان، ۸: ۲-۳) این مفهوم آزادی به معنای رهایی از «قانون گناه»^۱ است که انسان را در بردگی قرار می‌دهد و او را از خدا دور می‌سازد.

در این‌جا، آزادی به‌عنوان تجدید حیات معنوی تلقی می‌شود، که فرد را قادر می‌سازد تا با کمک روح القدس در مسیری جدید حرکت کند. در این مسیر، انسان دیگر تحت سلطه‌ی گناه و فساد قرار ندارد، بلکه به‌طور کامل به‌عنوان یک فرد آزاد از رهنمودهای خداوند زندگی می‌کند. این آزادی، هم از نظر فردی و هم از نظر اجتماعی، فرد را قادر می‌سازد تا به‌طور اخلاقی و با محبت به دیگران عمل کند.

^۱ the law of sin

مفهومی است که در متون دینی مسیحیت، به‌ویژه در الهیات پولسی (آموزه‌های پولس رسول)، استفاده می‌شود. این مفهوم اشاره به وضعیت انسان تحت سلطه گناه دارد که او را به نافرمانی از خدا سوق می‌دهد

آزادی در تاریخ مسیحیت و تحولات اجتماعی: با گسترش مسیحیت در دوران‌های مختلف، مفهوم آزادی به تدریج جنبه‌های اجتماعی و سیاسی بیشتری پیدا کرد. به‌ویژه در دوران قرون وسطی و رنسانس، مفاهیم آزادی فردی و دینی به‌شدت با اصول مسیحی پیوند خورده و تحولات اجتماعی گسترده‌ای را رقم زد. در این دوران، مسیحیت به‌عنوان یک نیروی رهایی‌بخش در برابر ظلم و فساد اجتماعی و سیاسی عمل می‌کرد. بسیاری از اصلاح‌گران دینی و اجتماعی، مانند مارتین لوتر^۱ (۱۵۲۰) و جان کالوین^۲ (۱۹۴۹)، بر آزادی فردی و دینی تأکید داشتند و از آن برای مبارزه با ساختارهای سلطه‌گر استفاده می‌کردند (Luther, 2020; Calvin, 2021).

مفهوم آزادی در مسیحیت به‌طور عمده در ابعاد معنوی و اخلاقی مطرح است، که از رهایی از گناه و رستگاری از طریق ایمان به عیسی مسیح آغاز می‌شود. این آزادی نه تنها در زندگی فردی بلکه در تعاملات اجتماعی نیز تأثیرگذار است و مسئولیت‌های انسانی و اخلاقی را برای مسیحیان به همراه دارد. از نظر تاریخی، مسیحیت مفهومی از آزادی را ارائه می‌دهد که با محبت، خدمت به دیگران، و اصلاح اجتماعی همراه است، و این آزادی، علاوه بر جنبه‌های فردی، جنبه‌های اجتماعی و سیاسی نیز پیدا می‌کند.

۴-۳. مفهوم آزادی در اسلام:

در این بخش، به بررسی دیرینه‌شناختی مفهوم آزادی در اسلام خواهیم پرداخت. مفهوم آزادی در اسلام، همانند یهودیت و مسیحیت، با ابعاد مختلفی از رهایی از بندهای اجتماعی، سیاسی و معنوی در ارتباط است، ولی در عین حال، ویژگی‌ها و اصول خاص خود را داراست. آزادی در اسلام نه تنها به معنای آزادی فردی و رهایی از بندهای اجتماعی و سیاسی است، بلکه به‌عنوان یک رهایی معنوی نیز مطرح می‌شود که فرد را از گناه و وابستگی‌های دنیوی آزاد می‌کند. با استفاده از روش دیرینه‌شناسی فوکو و با بررسی متون مقدس اسلامی، تفاسیر دینی و تحولات تاریخی، هدف ما در این پژوهش کشف «شرایط امکان» شکل‌گیری و تحول مفهوم آزادی در اسلام است.

آزادی در قرآن: رهایی از بندهای اجتماعی و معنوی: آزادی در قرآن به‌شکلی پیچیده و موجهی مطرح است. یکی از مفاهیم اصلی قرآن که به آزادی اشاره دارد، رهایی از بردگی است. قرآن،

^۱ Martin Luther (1483–1546)

^۲ John Calvin (1509–1564)

به‌ویژه در سوره‌های مکی، همواره بر ضرورت رهایی از قید و بندهای بردگی و ظلم تأکید کرده است. در قرآن کریم آمده است که حضرت یوسف می‌گوید: «آن که مرا خرید، مرا آزاد کرده است.» (قرآن کریم، یوسف ۱۲: ۵۲). این آزادی به معنای رهایی از سلطه‌های خارجی، اجتماعی و حتی از بندهای ظلم است. در این جا، آزادی نه تنها از بردگی فیزیکی بلکه از ستم و ظلم نیز قابل درک است.

آزادی معنوی در قرآن نیز مفهومی اساسی دارد. قرآن از بندگی خداوند به‌عنوان آزادی واقعی سخن می‌گوید. این آزادی از بندهای گناه و تعلقات دنیوی به‌طور واضح در سوره بقره، آیه ۲۳۷ آمده است: «و خداوند شما را از گناه آزاد می‌کند» (قرآن کریم، بقره ۲: ۲۳۷). در قرآن، مفهوم آزادی به این معناست که انسان‌ها از هر گونه وابستگی به غیر خدا، از جمله طواغیت و قدرت‌های ظالم، رهایی یابند و تنها تحت ولایت خداوند زندگی کنند. در این راستا، مفهوم «عبادت» نیز به معنای آزادی از همه بندهای دنیوی است، چرا که انسان تنها از طریق بندگی خدا می‌تواند از بندگی دیگران رهایی یابد.

آزادی در سنت نبوی و حدیث: در سنت نبوی و احادیث معتبر نیز مفهوم آزادی با ابعاد مختلفی بررسی شده است. پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، همواره به آزادی انسان‌ها از هر گونه ظلم، قید و بند و ستم تأکید داشت. در حدیثی از رسول اکرم آمده است: «مؤمن برادر مؤمن است، او به او ظلم نمی‌کند و او را به حال خود نمی‌گذارد. کسی که در نیاز برادر خود باشد، خداوند در نیاز او خواهد بود» (نیشابوری، ۲۰۰۸).

از دیدگاه اسلام، آزادی واقعی در گرو رهایی از بندگی غیرخدا و تسلیم به اراده الهی است. در احادیثی دیگر از امام علی (ع) آمده است: «آزاده، آزاده است هر چند سختی و مرارت بیند؛ و بنده، بنده است هر چند تقدیر یاریش کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۳۲۲)؛ «بنده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید. در آن نیکی که جز با بدی و آن آسانی که جز با سختی به چنگ نیاید، چه خیر و برکتی است؟» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۳۱۷). این حدیث نشان می‌دهد که آزادی حقیقی فقط در پرتو تسلیم شدن به اراده خداوند محقق می‌شود. در این جا، آزادی به‌عنوان رهایی از قدرت‌های زمینی و در پی آن رهایی از هرگونه بندگی غیرالهی، به‌طور کاملاً برجسته و اساسی مطرح می‌شود. آزادی و انتخاب فردی در اسلام: در اسلام، آزادی با اراده و اختیار انسان ارتباط تنگاتنگی دارد. آیه «لا اکراه فی الدین» (قرآن کریم، بقره ۲: ۲۵۲) که به معنای «هیچ اجباری در دین نیست» است.

این آیه به وضوح بیان می‌کند که انسان‌ها در انتخاب دین خود آزاد هستند و هیچ‌گونه تحمیل دینی وجود ندارد. این آزادی، نه تنها به‌طور فردی بلکه به‌طور اجتماعی نیز اهمیت دارد، زیرا انسان‌ها در انتخاب مسیر زندگی و حتی نظام‌های اجتماعی و سیاسی خود باید بر اساس اراده و اختیار خود عمل کنند.

اسلام آزادی فردی را در راستای احترام به اراده و اختیار انسان می‌داند. اما در عین حال، این آزادی تحت چهارچوبی از ارزش‌ها و اصول اخلاقی قرار دارد که در قرآن و سنت نبوی به وضوح آمده است. در اسلام، آزادی فردی تنها زمانی معتبر است که به حقوق دیگران آسیب نرساند و در مسیر خیر و صلاح عمومی باشد. به عبارت دیگر، آزادی فردی در اسلام با مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی همراه است.

آزادی اجتماعی و حقوق بشر در اسلام: یکی از ویژگی‌های مهم مفهوم آزادی در اسلام، تأکید بر آزادی اجتماعی و حقوق بشر است. اسلام به‌طور گسترده‌ای بر اهمیت برابری انسان‌ها و آزادی در برابر ظلم تأکید می‌کند. در قرآن آمده است که تمام انسان‌ها از یک نفس واحد خلق شده‌اند (قرآن کریم، نساء ۴: ۱). این آیه نه تنها بر اصل برابری انسانی تأکید دارد بلکه آزادی را به‌عنوان یکی از حقوق طبیعی انسان‌ها معرفی می‌کند.

در قرآن و سنت نبوی، آزادی اجتماعی و اقتصادی نیز تأکید شده است. مثلاً در سوره حجرات آمده است: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است» (قرآن کریم، حجرات ۴۹: ۱۳). این آیه نشان می‌دهد که انسان‌ها در آزادانه بودن برابرند و هیچ‌گونه امتیاز ویژه‌ای در دین اسلام برای گروهی خاص وجود ندارد. علاوه بر آن، قرآن به‌طور صریح به برابری حقوق افراد در جامعه تأکید دارد و بر اساس آموزه‌های دینی، ظلم به دیگران و سلب آزادی از افراد، امری نکوهیده است.

آزادی و مسئولیت در اسلام: آزادی در اسلام نه تنها به معنای رهایی از قید و بند است، بلکه با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی همراه است. در قرآن، از انسان‌ها خواسته شده است که آزادی خود را در جهت انجام وظایف شرعی و اخلاقی به کار گیرند. به‌ویژه در سوره نحل آمده است: «هر کس عمل صالح کند، در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه میبخشیم، و

پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد.» (قرآن کریم، نحل ۱۶: ۹۷) این آیه نشان می‌دهد که آزادی تنها زمانی معنا دارد که فرد به وظایف اخلاقی و اجتماعی خود عمل کند. در اسلام، آزادی در عمل و رفتار به معنای دست‌زدن به خیر و نیکی است. بنابراین، آزادی در این دین نه تنها به معنای رهایی از قید و بند است، بلکه به عنوان راهی برای دستیابی به رستگاری فردی و اجتماعی مطرح می‌شود. در این راستا، آزادی از گناه و فساد دنیوی مهم‌تر از آزادی فیزیکی است. آزادی در تاریخ اسلام و تحولات اجتماعی: در تاریخ اسلام، مفهوم آزادی با توجه به تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مختلف، در هر دوره‌ای به‌طور متفاوتی تفسیر شده است. در دوران صدر اسلام، مفهوم آزادی عمدتاً به معنای رهایی از بردگی، ظلم و فساد اجتماعی مطرح بود. پس از آن، با ظهور امپراتوری‌های اسلامی و حکومت‌های مختلف، مفهوم آزادی به‌ویژه در بُعد اجتماعی و سیاسی، دچار پیچیدگی‌هایی شد.

در دوران مدرن، بسیاری از اصلاح‌طلبان و اندیشمندان مسلمان، همچون سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده، به مفهوم آزادی فردی و اجتماعی در اسلام توجه خاص داشتند و تلاش کردند تا آن را با تحولات فکری و اجتماعی هم‌راستا کنند. این اندیشمندان بر این باور بودند که اسلام، به عنوان دینی جامع و کامل، می‌تواند پاسخگوی نیازهای آزادی‌خواهانه‌ی انسان در دنیای معاصر باشد (کدیور، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

مفهوم آزادی در اسلام، همانند دیگر ادیان ابراهیمی، به ابعاد مختلفی از رهایی از بندهای اجتماعی، سیاسی و معنوی مرتبط است، اما ویژگی‌های خاص خود را دارد. در قرآن، آزادی به معنای رهایی از بردگی، ظلم و بندهای اجتماعی است و همچنین به عنوان آزادی معنوی از گناه و وابستگی‌های دنیوی تعریف می‌شود. در سنت نبوی، آزادی به عنوان رهایی از بندگی غیر خدا و تسلیم شدن به اراده الهی مطرح می‌شود. آیات و احادیث اسلامی تأکید دارند که آزادی فردی باید در راستای اخلاق و مسئولیت‌های اجتماعی باشد و هیچ فردی نمی‌تواند آزادی خود را به زیان دیگران به کار گیرد. همچنین، اسلام بر آزادی اجتماعی و حقوق بشر تأکید دارد و برابری انسان‌ها را در برابر ظلم و ستم ضروری می‌داند. در نهایت، آزادی در اسلام به عنوان یک فرآیند معنوی و اجتماعی است که تنها با انجام وظایف اخلاقی و اجتماعی به‌درستی معنا می‌یابد (ایازی، ۱۳۹۵).

در جمع بندی این بخش می‌توان گفت که آزادی مفهومی پیچیده و چندبعدی است که در طول تاریخ در فلسفه، سیاست و دین به‌طور گسترده‌ای مورد بحث قرار گرفته است. در یهودیت، آزادی

از بردگی و ظلم با تأکید بر مسئولیت فردی و اجتماعی همراه است، در حالی که در مسیحیت آزادی بیشتر به عنوان رهایی از گناه و رسیدن به رستگاری از طریق ایمان به عیسی مسیح مطرح می‌شود. در اسلام، آزادی به عنوان رهایی از بندهای اجتماعی، سیاسی و معنوی، همراه با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، و اراده انسان برای پیروی از اصول اخلاقی و شرعی تعریف می‌شود. این مفاهیم در طول تاریخ و در متون دینی مختلف دستخوش تحولات و تفسیرهای جدید شده‌اند، اما همواره بر پیوند آزادی با مسئولیت و اخلاق تأکید شده است.

۵. مقایسه تطبیقی مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی

در این بخش، به مقایسه تطبیقی مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) خواهیم پرداخت. در این مقایسه، تلاش می‌کنیم تا اشتراکات و تفاوت‌های عمده در نگرش‌های این ادیان نسبت به مفهوم آزادی را آشکار سازیم. این مقایسه به‌ویژه در مورد آزادی‌های فردی، اجتماعی و معنوی، و همچنین تعاملات میان آزادی و مسئولیت، بسیار آموزنده است.

۵-۱. اشتراکات مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی

آزادی از بندهای ظلم و ستم: تمامی ادیان ابراهیمی مفهوم آزادی را به عنوان رهایی از ظلم و استبداد در نظر می‌گیرند. در یهودیت، آزادی با داستان خروج بنی اسرائیل از مصر به طور اساسی در ارتباط است که نشان‌دهنده رهایی از بردگی و ظلم فرعون است (عهد عتیق، خروج ۱۴: ۳۰). این مفهوم در مسیحیت نیز بازتاب دارد، جایی که حضرت عیسی از بندهای گناه و ظلم‌های معنوی سخن می‌گوید و وعده می‌دهد که «حقیقت شما را آزاد خواهد کرد» (کتاب مقدس، یوحنا ۸: ۳۲). اسلام نیز به طور مکرر از آزادی از ظلم و ستم صحبت می‌کند و تأکید می‌کند که خداوند مردم را از بندهای سیاسی و اجتماعی رها می‌کند (قرآن کریم، آل عمران ۳: ۱۲۴). بنابراین، در هر سه دین، آزادی به عنوان رهایی از قید و بندهای ظلم و ستم مطرح است و به نوعی، انسان‌ها را از سلطه غیرالهی آزاد می‌سازد. آزادی معنوی و رهایی از گناه: آزادی در هر سه دین به‌ویژه به عنوان رهایی از گناه و رهایی معنوی مطرح است. در یهودیت، آزادی در داستان خروج نه تنها به عنوان رهایی فیزیکی، بلکه به عنوان رهایی از بندگی ظالم فرعون و رهایی از اسارت روحی و معنوی مطرح است (عهد عتیق، خروج ۶: ۶). در مسیحیت، آزادی به طور بنیادی با رهایی از گناه و آلودگی‌های معنوی ارتباط دارد؛ حضرت

عیسی مسیح می گوید: «آزاد خواهید شد و حقیقت شما را آزاد می کند» (کتاب مقدس، یوحنا ۸: ۳۲)، که بر رهایی از گناه و رستگاری معنوی تأکید دارد. در اسلام، قرآن بر این تأکید دارد که انسان‌ها آزادند که راه درست یا نادرست را انتخاب کنند، اما آزادی واقعی تنها در رهایی از گناه و بندگی خداوند است «بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد» (قرآن کریم، زمر ۳۹: ۵۳). بنابراین، در همه این ادیان، آزادی معنوی و رهایی از گناه به عنوان یکی از ابعاد اصلی آزادی مطرح است.

آزادی انتخاب و اختیار: یکی از اشتراکات عمده در تمامی ادیان ابراهیمی، تأکید بر اختیار و آزادی اراده انسان است. در یهودیت، مردم بر اساس عهد با خداوند آزادند که دستورات الهی را بپذیرند یا رد کنند (عهد عتیق، تثنیه ۳۰: ۱۹). در مسیحیت، ایمان به آزادی انتخاب خداوند و پذیرش رستگاری از سوی انسان تأکید شده است. حضرت عیسی در انجیل می فرماید: «هر که بخواهد، باید مرا دنبال کند» (کتاب مقدس، متی ۱۶: ۲۴)، که بر آزادی اختیار انسان در انتخاب پیروی از مسیح تأکید می کند. در اسلام نیز، قرآن صراحتاً می فرماید که «هیچ گونه اکراهی در دین نیست» (قرآن کریم، بقره ۲: ۲۵۶) و انسان‌ها در انتخاب دین و مسیر زندگی خود آزادند. بنابراین، در تمامی این ادیان، آزادی در انتخاب دین، مسیر و راه زندگی تأکید شده است.

۲-۵. تفاوت‌های مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی

آزادی فردی و اجتماعی: در یهودیت، آزادی بیشتر به عنوان رهایی از بندهای اجتماعی و سیاسی مطرح می شود. داستان خروج بنی اسرائیل از مصر و حرکت آنها به سوی سرزمین موعود به عنوان نمادی از رهایی اجتماعی و سیاسی از سلطه فرعون و دیگر قدرت‌های غیرالهی است (عهد عتیق، خروج ۳: ۱۴؛ تثنیه ۶: ۲۰-۲۵). در این دیدگاه، آزادی نه تنها به عنوان رهایی فردی بلکه به عنوان رهایی اجتماعی از ظلم است. در مسیحیت، آزادی به ویژه در زمینه معنوی و فردی مطرح است. عیسی مسیح در آموزه‌های خود بیشتر بر آزادی از گناه و آزادی روحی تأکید دارد (کتاب مقدس، یوحنا ۸: ۳۲). مسیحیت آزادی را از دیدگاه اخلاقی و معنوی در نظر می گیرد و بیشتر بر آزادی اراده فرد در پیروی از مسیح و پذیرش رستگاری تأکید دارد (کتاب مقدس، غلاطیان ۵: ۱؛ رومیان ۶: ۱۸). در اسلام، آزادی هم از بُعد فردی و هم از بُعد اجتماعی مطرح است. قرآن بر آزادی فردی در انتخاب دین و مسیر زندگی تأکید دارد (قرآن کریم، بقره ۲: ۲۵۶)، اما همچنین در زمینه‌های

اجتماعی و سیاسی، آزادی از ظلم، استبداد و فساد را مطرح می‌کند. به‌طور ویژه، آزادی‌های اجتماعی و حقوق بشر در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (قرآن کریم، نحل ۱۶: ۹۰)، و تأکید بر عدالت اجتماعی، حمایت از حقوق فردی و اجتماعی، و مبارزه با ظلم و فساد از اصلی‌ترین مؤلفه‌های آزادی در اسلام است (Rahman, 1982: 78).

مفهوم آزادی در تعامل با قوانین دینی: در یهودیت، آزادی به‌طور عمیق به پیروی از قوانین خداوند (تورات) و عهد با خداوند پیوند دارد. در این دین، آزادی در حقیقت به‌معنای اطاعت از دستورات الهی است، و انسان‌ها با رعایت شریعت به آزادی واقعی می‌رسند. برای مثال، در کتاب تثبیه آمده است: «من امروز برای شما زندگی و مرگ را، برکت و لعنت را، گذاشته‌ام، پس زندگی را برگزینید تا شما و نسل شما زنده بمانید» (عهد عتیق، تثبیه ۱۹: ۳۰). بنابراین، آزادی در یهودیت نه تنها به‌عنوان رهایی از ظلم، بلکه به‌عنوان پذیرش و اطاعت از قوانین الهی در نظر گرفته می‌شود.

در مسیحیت، آزادی بیشتر بر اساس ایمان به عیسی مسیح استوار است. اگرچه مسیحیان نیز بر اخلاق و رعایت اصول دینی تأکید دارند، اما آزادی در مسیحیت بیشتر به‌عنوان آزادی از گناه و پذیرش رستگاری مطرح است. عیسی مسیح می‌فرماید: «و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد» (کتاب مقدس، یوحنا ۸: ۳۲). همچنین در رساله پولس به غلاطیان آمده است: «برای آزادی ما، مسیح ما را آزاد کرد» (کتاب مقدس، غلاطیان ۵: ۱). در این دیدگاه، آزادی فردی و روحی بیشتر از آزادی اجتماعی و سیاسی برجسته است. به‌عبارت دیگر، مسیحیت آزادی را از جنبه‌های معنوی و اخلاقی مورد توجه قرار می‌دهد و نسبت به قوانین شریعت در مقایسه با یهودیت کمتر تأکید دارد.

در اسلام، آزادی در چارچوب قوانین شریعت قرار دارد. قرآن و سنت نبوی به‌طور مکرر بر اهمیت رعایت دستورات الهی تأکید دارند، اما در عین حال، آزادی انسان‌ها در انتخاب دین، انتخاب راه درست و زندگی بر اساس اصول اخلاقی مورد تأکید است. در قرآن آمده است: «هیچ‌گونه اکراهی در دین نیست» (قرآن کریم، بقره ۲: ۲۵۶)، که نشان می‌دهد انتخاب دین باید بر اساس اختیار و آگاهی صورت گیرد. همچنین در قرآن تأکید شده است: «هر کس نفسی را بدون قصاص یا فساد در زمین بکشد، گویا همه مردم را کشته است و هر کس نفسی را زنده کند، گویا همه مردم را زنده کرده است» (قرآن کریم، مائده ۵: ۳۲)، که به مسئولیت اجتماعی و رعایت اصول اخلاقی در راستای مبارزه با ظلم اشاره دارد. بنابراین، آزادی در اسلام نه تنها به‌عنوان رهایی فردی، بلکه به‌عنوان رهایی اجتماعی از ظلم و فساد در نظر گرفته می‌شود.

نقش جامعه و حکومت در آزادی: در یهودیت، آزادی فردی و اجتماعی به‌ویژه در تاریخ بنی اسرائیل و به‌ویژه در داستان خروج از مصر مطرح است. در این دین، حکومت و جامعه باید در راستای قوانین الهی عمل کنند تا آزادی اجتماعی برقرار شود. از آنجایی که تاریخ یهود با دوره‌های مختلف اسارت و آزادی همراه بوده است، مفهوم آزادی در یهودیت به‌طور اساسی به وضعیت سیاسی و اجتماعی ملت یهود مرتبط است (عهد عتیق، خروج ۷: ۳). در مسیحیت، آزادی بیشتر در سطح فردی و معنوی مطرح است. حکومت و جامعه تنها در صورتی مشروع هستند که بر اصول اخلاقی و دینی مبتنی باشند. اما در آموزه‌های عیسی، حکومت‌ها و نهادهای دنیوی از آزادی معنوی انسان نمی‌توانند مانع شوند. در واقع، عیسی بر این نکته تأکید دارد که «ملکوت خدا درون شماست» (کتاب مقدس، لوقا ۱۷: ۲۱) و انسان باید از بندهای دنیوی رهایی یابد (کتاب مقدس، رساله دوم قرنتیان ۳: ۱۷). در اسلام، آزادی نه تنها به‌عنوان رهایی فردی، بلکه به‌عنوان رهایی اجتماعی و سیاسی نیز مطرح است. اسلام تأکید دارد که حکومت‌ها باید بر اساس عدالت و شریعت عمل کنند، و ظلم و فساد نباید به جامعه تحمیل شود (قرآن کریم، حدید ۵۷: ۲۵؛ اعراف ۷: ۱۵۷). در این دیدگاه، آزادی سیاسی و اجتماعی بخشی از آزادی انسانی است که باید در چارچوب شریعت و اصول اخلاقی قرار گیرد. در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت که با مقایسه تطبیقی مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی، می‌توان گفت که در تمامی این ادیان، آزادی به‌عنوان رهایی از ظلم، گناه و استبداد مطرح است، اما ابعاد و تجلیات آن در هر دین تفاوت‌های عمده‌ای دارند. در یهودیت، آزادی بیشتر به‌عنوان رهایی اجتماعی و سیاسی از ظلم مطرح است، در مسیحیت، آزادی بیشتر به‌عنوان رهایی معنوی از گناه و آلودگی‌های اخلاقی دیده می‌شود، و در اسلام، آزادی هم از بُعد فردی و هم از بُعد اجتماعی به‌عنوان رهایی از ظلم و فساد تأکید می‌شود. همچنین، در هر سه دین، آزادی با مسئولیت‌های اخلاقی و رعایت قوانین الهی گره خورده است، اما نحوه تعامل با این قوانین و نقش جامعه و حکومت در این مفهوم تفاوت‌هایی دارد. برای کمک به درک بهتر تفاوت‌ها و اشتراکات مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی، جدول زیر می‌تواند مفید باشد. این جدول، تطبیق‌ها و تفاوت‌های کلیدی بین یهودیت، مسیحیت و اسلام را از نظر مفهوم آزادی نشان می‌دهد.

جدول تطبیق‌ها و تفاوت‌های کلیدی مفهوم آزادی بین یهودیت، مسیحیت و اسلام

اسلام	مسیحیت	یهودیت	ویژگی
رهایی از ظلم و ستم و همچنین آزادی در ایمان و اعتقاد	رهایی از گناه و رهایی معنوی از بند شیطان و گناه کاری	رهایی از ظلم و ستم، به ویژه رهایی از اسارت فرعون و استبدادهای اجتماعی	تعریف کلی آزادی
آزادی فردی در انتخاب دین و زندگی مطابق با شریعت اسلامی	آزادی فردی در ایمان به مسیح و رهایی از گناه	آزادی فردی در چارچوب رعایت شریعت و مسئولیت های اخلاقی	آزادی فردی
آزادی اجتماعی و سیاسی از طریق اجرای عدالت و شریعت	کمتر به آزادی اجتماعی توجه می شود، بیشتر بر آزادی معنوی تأکید است	تأکید بر آزادی اجتماعی و سیاسی به ویژه در زمینه رهایی از سلطه های غیر الهی	آزادی اجتماعی و سیاسی
رهایی از ظلم، فساد اجتماعی و سیاسی از طریق اجرای شریعت	رستگاری انسان ها از گناه از طریق مسیح	خروج بنی اسرائیل از مصر و عهد با خداوند	الگوی رهایی
آزادی با تأکید بر مسئولیت های فردی و اجتماعی در برابر خداوند و جامعه	آزادی در کنار مسئولیت اخلاقی در قبال خداوند و دیگران	آزادی به عنوان مسئولیت اخلاقی و اجتماعی در قبال خداوند و جامعه	آزادی در مقابل مسئولیت
آزادی از طریق اطاعت از خداوند و اجرای دستورات شریعت	آزادی معنوی از طریق ایمان به مسیح و نجات	آزادی در پیوند با خداوند از طریق پذیرش عهد و قوانین	رابطه با خداوند
آزادی از طریق رعایت روزه، نماز و اجرای شریعت اسلامی	آزادی از گناه از طریق غسل تعمید و ایمان به مسیح	رعایت شبات و سال های آزادی (یوبیل) برای رهایی اجتماعی	آزادی در آیین ها و مناسک
آزادی به عنوان عملی اجتماعی و فردی که در مسیر عدالت قرار دارد	آزادی به عنوان رهایی روحی و معنوی از بند گناه	آزادی به عنوان ساختار اخلاقی و اجتماعی که تحت هدایت الهی قرار دارد	رؤیا و ایده آل آزادی

این جدول به طور خلاصه، نقاط مشترک و تفاوت های مهم در مفهوم آزادی را در هر یک از ادیان ابراهیمی نشان می دهد. تفاوت های اصلی در تأکید بر ابعاد مختلف آزادی - فردی، اجتماعی،

سیاسی و معنوی - مشهود است و همین طور نحوه نگرش به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در کنار آزادی.

در پایان این بخش، تطبیق برداشت‌های مختلف از آزادی در ادیان ابراهیمی را با توجه به دو مفهوم اصلی آزادی یعنی آزادی منفی و آزادی مثبت ارائه می‌دهیم. این تقسیم‌بندی به وضوح تفاوت‌ها و شباهت‌های اصلی در هر دین را نشان می‌دهد.

در یهودیت، مفهوم آزادی ابتدا با رهایی از ظلم و ستم خارجی معرفی می‌شود. داستان خروج بنی‌اسرائیل از مصر، که نماد رهایی از بردگی و استبداد فرعون است، این نوع آزادی را به خوبی نمایان می‌کند. این رهایی از اسارت‌ها و موانع بیرونی به عنوان آزادی منفی قابل فهم است که به فرد اجازه می‌دهد تا از فشار و ستم‌های بی‌عدالتی رها شود. اما در کنار این مفهوم، آزادی در یهودیت به طور همزمان با مسئولیت‌های اخلاقی و دینی پیوند دارد. پذیرش قوانین و عهد با خداوند نوعی آزادی مثبت را پیش می‌آورد که فرد را به رعایت اصول اجتماعی و دینی ملزم می‌کند. به طور خاص، آزادی در یهودیت به معنای توانایی انتخاب و عمل در راستای اراده خداوند است و این آزادی مثبت به فرد امکان می‌دهد که زندگی اجتماعی و فردی خود را تحت هدایت الهی سازماندهی کند.

در مسیحیت، آزادی به ویژه به عنوان رهایی از گناه و آلودگی‌های روحی و معنوی مطرح می‌شود. این رهایی از گناه نه فقط از استبداد سیاسی بلکه از بندهای معنوی و اخلاقی است. این نوع آزادی که رهایی از محدودیت‌های داخلی است، بیشتر به مفهوم آزادی مثبت نزدیک است. مسیحیان معتقدند که عیسی مسیح آمده است تا انسان‌ها را از گناه رهایی بخشد و این آزادی در کنار مفهوم رستگاری قرار دارد. آزادی در مسیحیت به طور همزمان به معنای توانایی انتخاب و عمل در راستای اهداف اخلاقی و الهی است. در این دیدگاه، انسان‌ها با پذیرش رستگاری مسیح، توانایی پیدا می‌کنند تا از بندهای گناه آزاد شوند و زندگی معنوی و اخلاقی خود را طبق اصول الهی سامان دهند.

در اسلام، آزادی به عنوان رهایی از ظلم و استبداد خارجی نیز مطرح است. این رهایی شامل آزادی فرد از سلطه‌های سیاسی و اجتماعی است که افراد را از توانایی زندگی آزادانه محروم می‌کنند. این نوع رهایی که در قرآن و سنت پیامبر اسلام به آن تأکید شده است، به طور عمده با آزادی منفی همخوانی دارد. هدف اسلام این است که انسان‌ها از قید و بندهای ظلم اجتماعی و سیاسی رهایی یابند. اما در کنار این آزادی منفی، اسلام مفهوم آزادی مثبت را نیز گسترش می‌دهد. آزادی در

اسلام به عنوان توانایی انتخاب دین و زندگی فردی مطابق با اراده خداوند تعریف می شود. آزادی مثبت در اسلام به این معناست که انسان ها باید توانایی تصمیم گیری برای زندگی خود را داشته باشند و در این مسیر به طور مستقل از دستورات خداوند پیروی کنند. این آزادی در چارچوب شریعت اسلامی است که فرد را به تحقق عدالت اجتماعی و فردی هدایت می کند.

جدول تطابق برداشت ها با مفاهیم اولیه آزادی

برداشت از آزادی	یهودیت	مسیحیت	اسلام
آزادی منفی	رهایی از اسارت فرعون و ظلم خارجی	-	رهایی از ظلم سیاسی و اجتماعی و استبداد خارجی
آزادی مثبت	آزادی در راستای رعایت شریعت و مسئولیت اخلاقی	آزادی در دستیابی به کمال معنوی و اخلاقی	آزادی از طریق توانایی انتخاب دین و زندگی به طور مستقل و مطابق شریعت

در نهایت، هر یک از ادیان ابراهیمی درک خاصی از آزادی دارند که در برخی جنبه ها مشابه و در برخی دیگر متفاوت است. یهودیت بیشتر بر رهایی از ظلم و ستم خارجی و مسئولیت های اخلاقی تأکید دارد که به طور عمده آزادی منفی و مثبت را دربر می گیرد. مسیحیت به آزادی معنوی و رهایی از گناه می پردازد که بیشتر به آزادی مثبت مرتبط است. اسلام هم آزادی را در دو سطح می بیند: رهایی از ظلم و سلطه که به آزادی منفی مربوط است و آزادی در انتخاب دین و زندگی فردی که نوعی آزادی مثبت است.

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله، تلاش شد تا مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) از منظر دیرینه شناختی و تطبیقی مورد تحلیل قرار گیرد. بررسی های انجام شده نشان می دهند که هر یک از این ادیان به طور خاص و در پاسخ به شرایط تاریخی و فرهنگی متفاوت، به تفسیر و ارائه مفهوم آزادی پرداخته اند.

در یهودیت، آزادی به ویژه از طریق داستان خروج بنی اسرائیل از مصر و رهایی از بردگی و ظلم خارجی معرفی شده است. این مفهوم، از آزادی منفی آغاز می شود که به معنای رهایی از محدودیت های بیرونی است، ولی همزمان با پذیرش مسئولیت های اخلاقی و دینی، به آزادی مثبت

نیز تبدیل می‌شود. در این دیدگاه، آزادی تنها به معنای رهایی از بندها و ظلم‌های بیرونی نیست، بلکه فرد باید در چارچوب قوانین الهی و اجتماعی زندگی کند.

در مسیحیت، مفهوم آزادی به‌طور عمده با رهایی از گناه و آلودگی‌های روحی و معنوی مرتبط است. آزادی معنوی، که از طریق ایمان به مسیح و رستگاری حاصل می‌شود، به‌طور خاص به آزادی مثبت نزدیک است. این آزادی به فرد امکان می‌دهد تا از بندهای گناه آزاد شود و زندگی خود را طبق اصول اخلاقی و الهی تنظیم کند.

اسلام، همانند یهودیت و مسیحیت، آزادی را در دو بعد اصلی بررسی می‌کند: رهایی از ظلم و استبداد خارجی و آزادی معنوی که فرد را از گناه و وابستگی‌های دنیوی آزاد می‌کند. آزادی در اسلام نه تنها به‌عنوان رهایی از ظلم سیاسی و اجتماعی دیده می‌شود، بلکه به فرد این امکان را می‌دهد که در چارچوب شریعت اسلامی، آزادی انتخاب دین و زندگی را داشته باشد.

بر اساس روش‌شناسی دیرینه‌شناختی فوکو، این تحقیق نشان می‌دهد که مفهوم آزادی در هر یک از این ادیان تحت تأثیر شرایط خاص تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دگرگون شده است. فوکو بر اهمیت گفتمان‌های تاریخی و تحولات مفهومی تأکید دارد و با استفاده از این رویکرد، می‌توان به تفاوت‌ها و شباهت‌های کلیدی در تفسیر آزادی در این ادیان پی برد.

مفهوم آزادی در ادیان ابراهیمی، با تأکید بر رهایی از ظلم، گناه و التزام به اراده الهی، بستری نظری برای مفاهیم مدرن آزادی فراهم کرده است. در یهودیت، تأکید بر رهایی از بندگی اجتماعی و التزام به شریعت، به‌طور غیرمستقیم ایده خودمختاری و عدالت اجتماعی را تقویت کرد. در مسیحیت، مفهوم آزادی معنوی از طریق ایمان به مسیح، زمینه‌ساز نگرش‌های فردگرایانه در فلسفه مدرن شد، به‌ویژه در آثار فیلسوفانی چون کانت که بر خودمختاری اخلاقی تأکید داشتند. در اسلام، آیه «لا إكراه فی الدین» (بقره: ۲۵۶) و تأکید بر اختیار انسانی، ایده آزادی انتخاب را ترویج داد که با مفاهیم مدرن حقوق بشر همخوانی دارد. اگرچه آزادی دینی و مدرن از نظر محتوا و هدف متفاوت‌اند، گفتمان‌های دینی با طرح اختیار و مسئولیت، راه را برای بازتعریف آزادی در جهان مدرن هموار کردند.

در پایان، با تحلیل تطبیقی مفهوم آزادی در یهودیت، مسیحیت و اسلام می‌توان نتیجه گرفت که این ادیان هر یک از جنبه‌های مختلف آزادی فردی و اجتماعی را به‌طور خاص تبیین کرده‌اند. تفاوت‌ها و اشتراکات موجود در این تفسیرها، به‌ویژه در زمینه مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی، می‌تواند

راهگشای فهم عمیق تری از معنای آزادی در بستر دینی و اجتماعی باشد. این مفاهیم نه تنها در گذشته تأثیرگذار بوده‌اند، بلکه در دنیای معاصر و در راستای مسائل جهانی همچون حقوق بشر و آزادی‌های فردی همچنان اهمیت دارند.

منابع:

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، قابل دسترس از <http://www.parsquran.com>
- قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوند. <http://www.parsquran.com>
- کتاب مقدس، ترجمه معاصر، قابل دسترسی از <https://www.bible.com/fa/bible>
- عهد قدیم، قابل دسترس از <https://www.wordproject.org/bibles/fa>
- ابن میمون، موسی (بلا تاریخ) دلالة الحائرين. تحقیق حسین آتای. قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة. قابل دسترس در <https://noorlib.ir/book/info/1216/%D8%AF%D9%84%D8%A7%D9%84%D8%A9-%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%A7%D8%A6%D8%B1%DB%8C%D9%86>
- ایازی، محمد علی (۱۳۹۵) کتاب آزادی در قرآن، تهران: ذکر.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰) غرر الحکم و درر الکلم، مصحح سید مهدی رجائی، قم: دارالکتاب الاسلامی. قابل دسترس در <https://lib.eshia.ir/71401/1/12>
- کدیور، محسن (۱۳۹۵) آزادی در اسلام، تهران: نشر نی.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (۲۰۰۸). صحیح مسلم. بیروت: دار الکتب العلمیة. قابل دسترسی در <https://waqfeya.com/books/%D8%B5%D8%AD%D9%8A%D8%AD-%D9%85%D8%B3%D9%84%D9%85-%D8%B7-%D8%A7%D9%84%D8%B9%D8%A7%D9%85%D8%B1%D8%A9--%D8%AA%D8%B1%D9%83%D9%8A%D8%A7-b4b69693b0eb4084ae9bf98faac85b0d>
- Arendt, H. (2018). *The human condition*. University of Chicago Press.
- Berlin, I. (2002). *Liberty: Incorporating four essays on liberty*. Oxford University Press.
- Berlin, I. (2017). *Two concepts of liberty*. In *Liberty* (pp. 166-217). Oxford University Press.
- Blaut, J. (2020). *The History of the Concept of Freedom*. Cambridge University Press
- Calvin, J. (2021). *Institutes of the Christian religion*. Eerdmans.

- Cohen, S. J. D. (2021). *The beginnings of Jewishness: Boundaries, varieties, uncertainties*. University of California Press.
- Dreyfus, H. L., & Rabinow, P. (2016). *Michel Foucault: Beyond structuralism and hermeneutics*. University of Chicago Press.
- Foucault, M. (2009). *Archaeology of knowledge*. Routledge.
- Friedman, R. E. (2019). *The Exodus*. HarperOne.
- Hegel, G. W. F. (2020). *Elements of the philosophy of right*. Cambridge University Press.
- Luther, M. (2020). *The freedom of a Christian*. Fortress Press.
- McFarlane, G. (2018). *Religious liberty and moral responsibility: A theological perspective*. Oxford University Press.
- Mill, J. S. (2009). *On liberty*. Broadview Press.
- Parkinson, J. (2020). *Faith and freedom: The theological foundations of human liberty*. Cambridge University Press.
- Rahman, F. (1982). *Islam and modernity: Transformation of an intellectual tradition*. University of Chicago Press.
- Sartre, J. P. (2007). *Existentialism is a humanism*. Yale University Press.
- Talmud Bavli. (n.d.). Berakhot 17a. In *The William Davidson Edition of the Talmud*. Koren Publishers Jerusalem. Retrieved from <https://www.sefaria.org/Berakhot?tab=contents>